



Fundamental Changes in the Institution of the Family and the Postinstitutional Individuality

Ahmad Kalateh Sadati¹  | Zeinab Saboohi Golkar² 

1. Corresponding author, Department of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran. Email: asadati@yazd.ac.ir

2. Department of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran. Email: zeinab.saboohi98@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 01 December 2023

Received in revised form: 16
May 2024

Accepted: 12 June 2024

Published online: 15 July
2024

Keywords:

Family, Social Changes,
Family Relations, Turbulent
Transition, Iran..

ABSTRACT

The family is the main element and the fundamental pillar of society in Islam and the cultural-historical ecosystem of Iran, despite the existence of this family in Iran, it is affected by many changes that transform the family structure and its processes in terms of quantity and quality. It is crucial to investigate these alterations at this juncture. The aim of the current research is to investigate the comprehension of both men and women regarding family changes.

The present study was conducted with a qualitative approach. Data were collected by semi-structured interview with 26 people and analysed thematically.

The findings show that the participants feel fundamental changes in the family institution. The five main axes of these changes are: sexual framing, vulgar manual parenting, gender role inversion, breakdown of expectations and communication, and acute undervaluation. "Indeterminate transition" is the central theme of the exploratory map of the research, which denotes a state of conceptual and social constructional turbulence and rupture within the family structure. It implies that participants possess a reflexive comprehension of the functions of the family.

According to the results, themes reproduce each other and all themes help to reproduce individualistic institutionalism. the family is in a highly perilous transition situation in comparison to cultural and historical values and norms. The comprehension of this issue by social and cultural policy makers appears to be a critical prerequisite.

Cite this article: Kalateh Sadati, A. & Saboohi Golkar, Z. (2024). Fundamental Changes in the Institution of the Family and the Postinstitutional Individuality. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(2): 237-252.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368977.1463>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368977.1463>



تغییرات بنیادین در نهاد خانواده و فردیت فرانهادر

احمد کلاته ساداتی^۱ | زینب صبوحی گلکار^۲۱. نویسنده مسؤل، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: asadati@yazd.ac.ir۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: zeinab.saboohi98@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	خانواده عنصر اصلی و ستون بنیادین نظام اجتماعی در اسلام و زیست‌بوم فرهنگی-تاریخی ایران است. با وجود این خانواده در ایران تحت تأثیر تغییرات بسیار زیادی است که به لحاظ کمیت و کیفیت، ساختار خانواده و فرایندهای آن را متحول کرده است. هدف پژوهش حاضر واکاوی درک و فهم زنان و مردان از تغییرات خانواده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۰	مطالعه حاضر با رویکرد کیفی انجام گرفته است. داده‌ها به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۶ نفر جمع‌آوری و تحلیل مضمون شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۲/۲۷	یافته‌ها نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان تغییرات بنیادینی را در نهاد خانواده احساس می‌کنند. پنج محور اصلی این تغییرات عبارت‌اند از: پادارزش حاد، وارونگی جنسیتی نقش، گسیختگی انتظارات و ارتباطات، والدگری نابسند و چارچوب‌گریزی جنسی. در نقشه مضمونی تحقیق، مضمون پایه عبارت است از «فردیت فرانهادر» که به شرایطی از تلاطم و گسیختگی در ساختار خانواده به لحاظ مفهومی و در برساخت اجتماعی اشاره دارد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۳	مطابق نتایج، مضامین یکدیگر را بازتولید کرده و همه مضامین به بازتولید فرانهادگرایی فردگرا کمک می‌کنند. خانواده نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و تاریخی در یک شرایط گذار تغییر به سمت ارزش‌های مدرن قرار گرفته است. درک و فهم این موضوع از سوی سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی، یک بایسته مهم به نظر می‌رسد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۴/۲۵	
کلیدواژه‌ها: اسلام، تغییرات اجتماعی، خانواده، روابط خانوادگی، فرانهادگرایی، فردیت.	

استناد: کلاته ساداتی، احمد و صبوحی گلکار، زینب (۱۴۰۳). تغییرات بنیادین در نهاد خانواده و فردیت فرانهادر، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳(۲): ۲۳۷-۲۵۲.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368977.1463>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368977.1463>

۱. مقدمه و طرح مسئله

خانواده عنصر بنیادین هر نظام اجتماعی به خصوص در جوامع اسلامی است. نگاه اسلام به خانواده راهبردی و ارزش مدار است. با وجود این، خانواده، با تأثیرپذیری از تغییرات اجتماعی در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارد. تغییرات در جامعه، نهاد خانواده را بیشتر از دیگر نهادهای اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) که البته نتایج این تغییر یکسان نیست (عبدللهی و همکاران ۱۴۰۱: ۳۳). خانواده در چند دهه اخیر در ایران و تحت عوامل بیرونی و درونی دچار تغییر شده است. جهانی شدن، گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات و جامعه شبکه‌ای (میر محمدرضایی و ساروخانی: ۱۳۹۷) و نوسازی (محمدپور و همکاران ۱۳۸۸) از مهم‌ترین عوامل این تغییر است. افشارکهن و رضائیان (۱۳۹۷) تجربه این گذار از سنت به مدرنیته را ناقص و ناهمگون تلقی کرده‌اند. هر کس که در جامعه ایران زندگی می‌کند، کم‌وبیش حسی از دگرگونی دارد و این تجربه را خوشایند یا ناخوشایند به صورت‌های گوناگون بیان می‌کند (معینی و شکر بیگی ۱۳۸۸: ۱۰۶) که متأثر از تغییرات ارزشی و نگرشی است (سرایبی و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۱). در واقع مدرنیته نظم جدیدی را سبب شده است که در سبک زندگی، عادت‌واره، ارزش‌ها و شیوه‌های تفکر افراد تغییراتی پدیدار کرده است (حقیقتیان و دارابی ۱۳۹۴: ۵۸). به علت اهمیت و وسعت تغییرات، خانواده موضوع پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است.

در مطالعات متأخر در ایران عبداللهی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند تحول ارزش‌های خانواده میان دو نسل خانواده در شیوه همسرگزینی، سبک زندگی، سنت‌های خانوادگی و فرزندمحوری مشهود است که پیامد آن مدرن شدن و شکنندگی است. احمدی‌فر (۱۳۹۹) نشان داد در نتیجه ورود عناصر مدرن به جامعه روستایی، تغییرات ارزشی و هنجارهای گسترده‌ای در زیست‌جهان افراد جامعه مورد نظر و نیز ابعاد و مسائل مختلف مرتبط با نهاد خانواده از قبیل روابط اعضای خانواده با یکدیگر، روابط زن و مرد، والدین و فرزندانشان، عشق و مسائل جنسی، عرفی شدن و زنانه شدن خانواده، طلاق، ازدواج و سنت‌های مرتبط با آن‌ها صورت گرفته است. نظری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش فراتحلیل خود سه عامل مسبب تغییر در خانواده ایرانی را برشمردند: ۱. افزایش تحصیلات و اشتغال زنان؛ ۲. فرایند نوسازی و تغییرات ارزشی خانواده ایرانی؛ ۳. پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده. میرمحمدرضایی و ساروخانی (۱۳۹۷) دریافتند خانواده‌ها در شهر زنجان تحت تأثیر جهانی شدن پیامدهای مثبت و منفی را تجربه کرده‌اند. زاهدانی و کاوه (۱۳۹۶) نشان دادند جهانی شدن فرهنگ به نوبه خود تعاملات و تمایلات جنسی را با دگرگونی مواجه کرده و جهت حرکت این تغییرات با آهنگی شتابان به سمت همگرایی با مرکز در معنای مصطلح مرکز-پیرامون است.

در مطالعات خارجی، جوشی^۱ و سینک^۲ (۲۰۲۳) نشان دادند خانواده تحت تأثیر عوامل متعددی همچون جهانی شدن، شهرنشینی، غرب زدگی، آموزش، پیشرفت‌های فناوری و... تغییر کرده است. دانکن^۳ و فیلیپس به این نتیجه رسیدند که از محوریت ازدواج رسمی کاسته شده است و به عنوان یک ایدئال، از منظر اکثر افراد برای رابطه جنسی مشروع ضرورتی وجود ندارد. افراد زندگی مشترک مجرد را کم‌وبیش برابر با ازدواج می‌بینند و فکر می‌کنند که شرکای زندگی باید استقلال اجتماعی داشته باشند. اسموک و شوارتز با تمرکز بر تغییرات خانواده در ایالات متحده، تغییرات مذکور را پیچیدگی توصیف کردند. از نظر نویسندگان، موضوعات مرتبط با تغییرات خانواده در ایالات متحده عبارت‌اند از: الف) ازدواج و ازدواج مجدد، ب) طلاق، پ) زندگی مشترک، ت) باروری، ث) اتحادیه‌های همجنس، ج) خانواده‌های مهاجر، چ) ترتیبات زندگی فرزندان (اسموک^۴ و شوارتز^۵، ۲۰۲۰). سونگ^۶ و جی^۱ (۲۰۲۰) با رویکرد نظری و تجربی، از

1. Joshi
2. Singh
3. Duncan
4. Smock
5. Schwartz
6. Song

همزیستی، تضاد و تعامل ارزش‌های فردی و خانوادگی در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی و چگونگی همزیستی اعضای خانواده، رویکردهای فردگرایانه و درعین‌حال حفظ خانواده در چین امروزی بحث کردند. از نظر آن‌ها روابط جنسیتی و سیاست بین‌نسلی هم‌زمان تکامل یافته است. تحقیقی دیگر در آمریکا نشان می‌دهد آنچه در سال‌های اخیر برای مکان ازدواج در حوزه وسیع‌تر مشارکت‌های صمیمی رخ داده است، با تز نهادزدایی همخوانی دارد (چرلین^۱، ۲۰۲۰). درحالی‌که تحقیقات در کشورهای دیگر از تغییرات بنیادی و نهادزدایی سخت به میان آورده‌اند، تحقیقی که اخیراً در سوریه انجام شده است که عموماً کاهش سن ازدواج و نیز کاهش نرخ ازدواج و ازدواج فامیلی در میان سوری‌های مقیم اردن را نشان می‌دهد (سیوردینگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). با مروری بر ادبیات داخلی و خارجی برای شناسایی بهتر ابعاد موضوع مورد پژوهش مشهود شده است که تحقیقات متعددی تغییرات خانواده را بررسی کرده‌اند. با وجود تحقیقات گسترده، پژوهش‌های کیفی ناظر به تعریف از خانواده و کیفیت تعاملات آن محدود است؛ بنابراین، هدف تحقیق حاضر کشف و واکاوی معنا و مفهوم خانواده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت تفاوت در تعریف خانواده، ارزش‌ها و نگرش‌های مترتب بر آن، تعارضات خانوادگی، شکاف نسلی، افزایش طلاق، طلاق عاطفی، افزایش سن ازدواج، نگرش به خانواده و ازدواج و تغییرات در روابط پیش‌ازدواج و پس‌ازدواج، بخشی از تغییرات مهم در خانواده ایرانی است. این تغییرات گویای تغییر در ساختار خانواده به‌طور کلی و محتوای آن است. به‌نظر می‌رسد خانواده ایرانی، در حال گذر از یک تجربه تاریخی باشد. موضوعی که کمتر در مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است و نیازمند واری است. مهم‌ترین تغییرات خانواده در ایران عبارت‌اند از: تغییر دیدگاه به جایگاه خانواده، تغییر در حقوق و انتظارات اعضا و نقش‌ها از یکدیگر، تغییر در ارزش‌های محوری خانواده به‌خصوص مسائل جنسی و تغییر در الگوهای رفتاری حاکم بر خانواده. محور تحقیق حاضر، این چهار موضوع است که در مطالعات کمتر پرداخته شده و ضرورت پژوهشی است. از سوی دیگر، اگرچه تغییرات در موضوع خانواده در کلان‌شهرها تقریباً ملموس و محسوس است، به‌نظر می‌رسد واکاوی ماهیت و کیفیت آن در شهرهای کوچک یا متوسط که هنوز به مرحله تغییرات گسترده نرسیده‌اند، بهتر می‌تواند ما را از کیفیت تغییرات آگاه کند. این شهرها در ابتدای تغییرات در موضوعات مختلف اجتماعی و از جمله موضوع خانواده هستند. به همین جهت شهر طبس برای تحقیق حاضر انتخاب شده است. دلیل انتخاب، کوچک‌بودن شهر، جغرافیای نسبتاً دورافتاده که به‌تبع تغییرات نوین رسانه‌ای و جهانی شدن اثر جغرافیا کم‌رنگ شده، تغییرات نسبتاً گسترده در شهر به‌علت مهاجرپذیری (وجود معادن) و قرارگرفتن در یک محور مواصلاتی (خراسان، کرمان و یزد) است که به‌نظر می‌رسد بر تغییرات فرهنگی این شهر تأثیرگذار بوده است. با توجه به بستر اسلامی جامعه، سؤال اصلی پژوهش این است که کیفیت تغییرات در خانواده در شهر طبس چگونه است.

۲. چارچوب مفهومی و نظری

در رویکردهای کلاسیک که عموماً مفهوم‌سازی‌شده اندیشمندان غربی است، نوسازی، جهانی‌شدن و تفکیک و تمایز ساختی مورد بحث قرار می‌گیرد. ویلیام گود^۳ (۱۹۶۳) در نظریه همگرایی خانواده، ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده را مطرح می‌کند. گود بر این باور است که در جوامع مختلف به‌عنوان نتیجه فرایند متداول جهانی مدرنیزاسیون، صنعتی‌شدن و شهرنشینی، تفاوت‌ها در سنت اجتماعی از میان برداشته می‌شود و جامعه مدرن به شکلی همگرا با ویژگی‌های کم‌وبیش یکسانی با هم شباهت پیدا می‌کند (رزاقی نصرآبادی و

1. Ji
2. Cherlin
3. Sieverding
4. Good

فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶). در فرایند مدرنیزاسیون، انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماعی به وجود می‌آید و افراد به صورت اتم‌های مجزا به نظر می‌رسند که به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند (صادقی و عباسی شوازی، ۱۳۸۴: ۲۸). دیگر رویکرد کلاسیک، جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر خانواده است. تحت شرایط جهانی‌شدن، نهاد خانواده دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه می‌کند. در این رویکرد، بر گسترش افکار مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیته در سطح جهان به عنوان نیروی مهم و تأثیرگذار در تغییرات ارزشی و رفتاری خانواده تأکید شده است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸). رویکرد سوم کلاسیک، رویکرد تفکیک و تمایزات ساختی در خانواده است که توسط اسملسر مطرح شد. به نظر وی، در یک جامعه پیشرفته، تفکیک کارکردی ساختاری عناصر به صورت کامل صورت گرفته، ولی جامعه توسعه‌نیافته فاقد چنین تفکیکی است. فواید این جدایی‌ها از این قرارند: تضعیف نظارت مستقیم بزرگ‌ترها و همجواری خویشاوندی بر خانواده هسته‌ای، افزایش گزینش شخص در ارتباط با ازدواج، ارتقای پایگاه و منزلت زنان در جامعه و افزایش فشار علیه دخالت خانواده در استخدام نیروی کار (زاهدی ۱۳۸۶: ۹۸ به نقل از ورزی کناری و همکاران، ۱۳۹۸).

برخلاف رویکردهای کلاسیک، در دیدگاه‌های نئوکلاسیک عموماً بر وجه فرهنگی و روان‌شناختی-عاطفی تغییرات تمرکز شده است. علاوه بر این، در رویکردهای نئوکلاسیک تلاش می‌شود تکثری از الگوهای خانواده را ارائه کند، نه صرفاً الگوی غربی. اولین رویکرد، دیدگاه نهادزدایی از خانواده است. در رویکرد نهادزدایی، خانواده از محوریت جامعه‌پذیری اعضا خارج شده و دیگر مانند گذشته قادر به انجام این کارکرد نیست. بحث اصلی نهادزدایی در خانواده به مفهوم ازدواج مربوط می‌شود و اینکه افراد ازدواج مجدد می‌کنند. بر این اساس، ازدواج مجدد در هر قالبی، شبیه ازدواج اول نیست و چه بسا می‌توان گفت ازدواج اول شبیه ازدواج دوم می‌شود. در این الگو آنچه مهم است، روابط و ابعاد عاطفی رابطه است و ازدواج رویکردی بازاری و البته الگوهای جدیدی بازاری را به خود می‌گیرد. به این ترتیب زیست‌جهان زناشویی، بدون حمایت نهادی قبلی (که در خانواده‌های سنتی مرسوم بود) به صورت مداوم و فعال ساخته و بازتولید می‌شود و هدف زیست خانوادگی، رشد شخصیت و تعالی است که قائم به فرد است تا نهاد خانواده (چرلین، ۲۰۰۴). کایتچی‌باسی متفکر ترکیه‌ای تغییرات خانواده را در بستر خانواده غیرغربی دنبال می‌کند. از نظر وی هنوز خانواده در بیشتر جهان رویکرد کل‌نگرانه را دنبال می‌کند که با مدل‌های غربی متفاوت است. ویژگی‌های این الگوی خانواده عبارت‌اند از: وابستگی متقابل اعضا، نظام سلسله‌مراتبی مردسالار، وابستگی متقابل عاطفی و مالی بین اعضای خانواده، اهمیت دادن به کودکان به خاطر نیروی کار و نیز مراقبت از والدین در دوران پیری. دومین الگوی عموماً غربی از خانواده و تغییرات آن ویژگی‌های ذیل را دارد: تأکید بر استقلال، کم‌شدن وابستگی مالی و عاطفی، کم‌شدن اهمیت فرزند و تبدیل فرزند به یک چالش مالی برای خانواده و کاهش باروری. در نهایت سومین الگوی خانواده که ترکیبی از دو الگوی فوق است، دربرگیرنده خصوصیات ذیل است: وابستگی متقابل عاطفی، استقلال شخصی، کاهش وابستگی‌های متقابل مادی و سلسله‌مراتب سنتی همراه با افزایش نزدیکی عاطفی و جهت‌گیری رابطه، استقلال (به‌ویژه زنان)، تمرکز بر استقلال فردی و رفتار صحیح و ارزش خانوادگی در فرزندپروری و شیوه‌های فرزندپروری (کایتچی‌باسی، ۱۹۹۶؛ ۲۰۰۷؛ نپ و ورم، ۲۰۱۹). سومین رویکرد، دیدگاه فرانهادی به خانواده است که با نگاه وبری، در پی بازسازی مفهوم خانواده به شکلی متنوع و متکثر در بسترهای اجتماعی و فرهنگی مختلف و البته تا حدودی متناسب با آن بستر است. به این ترتیب، در اینجا نه با یک خانواده که با تنوعی از الگوهای خانواده مواجه هستیم. مفهوم محوری در این دیدگاه این است که در کنار مفهوم‌سازی خانواده، گونه‌های جدید را نیز در این مفهوم‌سازی دخیل کنیم.

۳. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد مطالعه حاضر کیفی است و در سال ۱۴۰۲ در شهر طبس انجام شده است. شهرستان طبس در غرب استان خراسان جنوبی واقع شده که در سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت آن ۷۶،۳۵۲ نفر بوده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را زنان و مردان شهر طبس تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. با معیار اشباع داده‌ها ۲۶ نفر وارد تحقیق شدند که ۶ نفر آن‌ها مرد و ۲۰ نفر آنان را زن تشکیل داده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

شماره مشارکت‌کننده	جنسیت	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان
۱	زن	۳۸	متاهل	ابتدایی	آرایشگری	۴
۲	زن	۳۵	متاهل	ابتدایی	خانه‌داری	۳
۳	زن	۲۶	متاهل	دیپلم	خانه‌داری	۰
۴	زن	۴۱	متاهل	فوق لیسانس	کارمند	۲
۵	مرد	۳۳	متاهل	لیسانس	کارمند	۱
۶	مرد	۴۲	متاهل	لیسانس	کارمند	۱
۷	زن	۴۱	متاهل	لیسانس	معلم	۱
۸	مرد	۴۱	متاهل	لیسانس	تعمیرکار	۲
۹	زن	۳۱	متاهل	دیپلم	خانه‌دار	۲
۱۰	زن	۲۳	متاهل	دیپلم	خانه‌دار	۱
۱۱	زن	۲۳	مجرد	لیسانس	خانه‌دار	۰
۱۲	زن	۱۹	متاهل	راهنمایی	خانه‌دار	۰
۱۳	زن	۱۸	مجرد	محصل	محصل	۰
۱۴	مرد	۱۹	مجرد	دیپلم	سرباز	۰
۱۵	زن	۳۵	متاهل	فوق لیسانس	شرکت خصوصی	۱
۱۶	زن	۱۷	متاهل	محصل	محصل	۰
۱۷	زن	۴۹	متاهل	ابتدایی	خانه‌دار	۲
۱۸	مرد	۴۸	متاهل	راهنمایی	راننده	۲
۱۹	زن	۱۷	مجرد	محصل	محصل	۰
۲۰	زن	۴۲	متاهل	ابتدایی	خانه‌دار	۵
۲۱	زن	۱۸	متاهل	راهنمایی	خانه‌دار	۰
۲۲	زن	۴۱	متاهل	دیپلم	مشاغل خانگی	۲
۲۳	زن	۳۲	متاهل	دیپلم	خانه‌دار	۱
۲۴	زن	۳۱	متاهل	فوق لیسانس	مشاور	۱
۲۵	زن	۲۷	متاهل	لیسانس	کارمند	۰
۲۶	مرد	۲۶	متاهل	فوق دیپلم	آزاد	۰

روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. فرایند مصاحبه‌ها تا اشباع ادامه یافت. برای انجام مصاحبه‌ها از قبل با افراد هماهنگ شد و در مکان‌های عمومی مانند پارک، مسجد و... انجام گرفت. در ابتدای مصاحبه هدف پژوهش توضیح داده شد و با سؤال کلی «خانواده شما در حال حاضر چه تغییراتی داشته است» مصاحبه آغاز می‌شد. سؤالات جزئی‌تر عبارت‌اند از: چه تغییراتی در

حقوق و انتظارات زن و شوهر از یکدیگر و والدین و فرزندان به وجود آمده است؟ شما چه تغییراتی در نگاه به امر جنسی در خانواده یا در میان فرزندان می‌بینید؟ لطفاً در مورد تغییرات رفتاری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر توضیح دهید. بسته به پاسخ مشارکت‌کنندگان، سؤالات تکمیلی پرسیده می‌شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمونی براون^۱ و کلارک^۲ (۲۰۰۶) بود. کاراز مسیر شش مرحله‌ای انجام گرفت: آشناسدن با متن؛ احصای کدهای اولیه؛ جست‌وجو و شناخت مضامین؛ ترسیم شبکه مضامین؛ تحلیل شبکه مضامین و تدوین گزارش. قبل از همه، متن‌های رونویسی شده چندین مرتبه خوانده شدند تا یک تصویر کلی ایجاد شود. رعایت اخلاق تحقیق، مورد توجه پژوهشگران بوده است. از این جهت رضایت مشارکت‌کنندگان برای مصاحبه، صداقت در گزارش، و رعایت گمنامی مشارکت‌کنندگان مهم‌ترین نکات بود.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. تغییرات بنیادین در خانواده

تحلیل حاکی از تغییراتی بنیادین در نهاد خانواده است. در این پژوهش پنج مقوله اصلی این تغییرات شامل پادارزش حاد، وارونگی جنسیتی، گسیختگی انتظارات و ارتباطات، والدگری نابسند و چارچوب‌گریزی جنسی است (جدول ۲).

جدول ۲. مفاهیم، مضامین فرعی و اصلی مرتبط با مفهوم خانواده

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مفهوم
پادارزش حاد	پوچی ارزش‌ها تناقضات ارزشی نگرش‌های نوظهور	محور قرارگرفتن آزادی، تناقض‌های ارزشی، شکل‌گیری ارزش‌های جدید، شکل‌گیری افکار و رفتار خودخواهانه، صمیمیت افراطی، بی‌اعتنایی و ختنی‌بودن، به‌اندازن به ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی مانند احترام به والدین، ایثار و...، تغییر نگرش به ارزش‌های زندگی، تفکرات فرامردن، عادی‌سازی مسائل حاد مانند خیانت و پذیرش آن، زیر سؤال بردن افراطی سنت‌ها
وارونگی جنسیتی	مردانگی بازمانده زنانگی سلطه‌جویانه	افزایش مطالبات و حقوق زنان، بی‌خیالی مردان در امور، گوشه‌گیری مردانه، عقب رانده‌شدن مردان، زن‌سالاری، وادادگی نقشی، به‌حاشیه‌رفتن مردان، در دست قرارگرفتن قدرت مردانه توسط زنان، تمایل به کار بیرون از خانه، بی‌اهمیتی کار درون منزل، ادغام نقوش، استقلال‌طلبی افراطی، تفکیک قائل‌شدن امور و نقش‌ها، استقلال مالی زیاد، سلطنت زنانه، اجحاف قدرت، اغراق نقشی
گسیختگی انتظارات و ارتباطات	انتظارات ناپه‌نچار تقلای توقعات نو کج‌ه‌نجاری ارتباطی	تفاوت در ملاک‌های همسرگزینی، تکدی‌گری در ازدواج، عدم درک متقابل، آرمان‌گرایی در ازدواج، بی‌مسئولیتی در مقابل یکدیگر، خارج‌شدن کارکردهای خانوادگی مانند تربیت، آموزش و... و انتقال به نهادهای اجتماعی، وظیفه‌محوری در امور، تأثیرپذیری از فضای رسانه، آگاهی کاذب و افراطی، برآورده‌نشدن نیاز و انتظارات اولیه، نوسازی نیازها، انزوا و گوشه‌گیری ارتباطی، انتظارات آرمان‌گرایانه از والد و همسر، ارتباطات بی‌حدم‌م‌ز
والدگری نابسند	تمایز اجتماعی وادادگی والدی	بهادادن افراطی به فرزندان، قدرت‌نمایی فرزندان، فرزندسالاری، همراهی تفریطی والدین با فرزندان، همراهی افراطی والدین با فرزندان، بی‌خیالی و بی‌مسئولیتی والدین، خودمختاری زیاد فرزندان، زیاده‌روی در خاص و استعداد برتر بودن فرزندان، قیاس اجتماعی فرزندان، مطالبات افراطی والدین از فرزندان و همچنین فرزندان از والدین، ترندشدن والدین سمی، تنش‌های ارتباطی والد فرزندان، صمیمیت افراطی با فرزندان
چارچوب‌گریزی جنسی	مصرف بدن گریز از قالب‌های جنسی همه‌چیز‌خواری جنسی	ارتباطات جنسی قبل از ازدواج، بدن به‌عنوان کالا، صرف هزینه‌های زیاد برای زیبایی جنسی بدن، اهمیت تناسب‌اندام و مانکن‌شدن، فروش بدن، ارتباطات جنسی فزانشویی، افزایش ارتباطات غیرعرفی و غیرشرعی، ارتباطات جنسی آشکار، ادامه‌داربودن ارتباطات قبل از ازدواج، همجنس‌گرایی، ارتباطات چندنفره، تفاوت در تمایلات جنسی، حرکات نامتعارف جنسی، لذت‌طلبی و تنوع‌طلبی جنسی

پادارزش‌ها: از نظر مشارکت‌کنندگان، اعضای خانواده به‌خصوص فرزندان، در شرایط فعلی، به‌دنبال سود و منفعت شخصی هستند و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، احترام و از خودگذشتگی جایگاهی ندارند. گاهی بین والدین و فرزندان فحش و حرف‌های رکیک زده می‌شود. بسیاری از ارزش‌های سنتی مثل ارتباط با جنس مخالف، مرادات خارج از عرف، خیانت، تمایل به فرزندآوری و... به‌شدت تغییر کرده است. حتی ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی به‌خصوص از سوی فرزندان به‌عنوان ضدارزش قلمداد شده و چالش جدی برای خانواده شده است. البته خانواده‌ها در مواردی شرایط جدید را پذیرفته که یا به‌علت تغییر ارزشی و نگرشی است و یا به‌علت اضطرار. تمایلات اعضای خانواده نیز تغییر کرده است. پدر و مادر از یک سو و فرزندان از سوی دیگر، در پی خواسته‌های خود و تحقق آن هستند که از مفهوم و معنای خانواده فاصله زیادی دارد.

مشارکت‌کننده ۴: «همسر من با یکی از همکاران خانمش چند سالی که در ارتباطه. بارها جلوی ماشین سوارش کرده و تا پاسی از شب با هم بیرون هستن و با هم رستوران و کافه می‌رن. من که همسرش هستم بارها گفته‌م چرا با این خانم در ارتباطی و اینو خیانت می‌بینم، ولی متأسفانه دختر بزرگم که حدود بیست سالشه می‌گه ماما تو چرا این قدر حساس شدی. این همکارشه. چه اشکال داره آدم با همکارش بره بیرون؟ چه اشکال داره برن رستوران؟ که نه تنها برای من، بلکه برای هیچ‌کدوم از همسن‌وسال‌های من پذیرفته نیست.»

مشارکت‌کننده ۲۳: «لان که من دارم می‌رم باشگاه و دخترمو با خودم می‌برم، خیلی تمایل به این ندارم که پیش بقیه منو ماما خطاب کنه... ما مثل دو تا دوستیم و خیلی با هم اوکی هستیم... دوست دارم وقتی هم که بزرگ شد اگر با کسی دوست می‌شه از جنس مخالف، من اولین نفر باشم که می‌دونم و شاید حتی خود دعوتش کنم برای شام.»

وارونگی جنسیتی: از نظر مشارکت‌کنندگان، زنان به‌دنبال برابری جنسیتی هستند که در عمل نه‌تنها موجب توزیع قدرت متوازن نشده، بلکه میل زنان به برخورداری قدرت و نقش بیشتر از مردان را افزایش داده است. از آنجا که الگویی برای این توزیع متوازن وجود ندارد، خانواده با نوعی سردرگمی مواجه است و مردان به‌واقع نمی‌دانند چه باید بکنند و نقش و جایگاه تغییر یافته آن‌ها چیست و چگونه باید آن را ایفا کنند؛ بنابراین به نوعی کناره‌گیری خودخواسته یا از سر اضطرار تن می‌دهند. در بهترین حالت، آن‌ها به‌دنبال تصمیم‌گیری‌های مشارکتی در خانواده‌اند که به‌علت نداشتن الگو امکان‌پذیر نیست و در همه خانواده‌ها برقرار نیست. تحت شرایط مذکور، زنان به‌صورت سلطه‌جویانه در تلاش برای برعهده‌گرفتن نقش‌های مردانه‌اند. آن‌ها تمایل زیادی دارند که هرم قدرت در خانواده را تغییر دهند، تفکیک جنسیتی نقش را منسوخ کنند و جسورانه به ایفای نقش مردانه بپردازند.

مشارکت‌کننده ۳: «خودم شوهرم رو بدعادت کردم. زمین مسکن ملی خودم قبلاً رفته بودم اسم نوشتم. شوهرم گفت این تو اینم کافی‌نت. بعد کارهای شهرداریشو خودم پیگیری کردم. حتی چهل تومن اولش هم خودم اوکی کردم. اون می‌ره سر کار و برمی‌گرده و بسیاری از امور رو محول کرده به من.» مشارکت‌کننده ۲۵: «من خانم به نظرم فرقی با به مرد ندارم و کارهایی که مردها دارن انجام می‌دن می‌تونم انجام بدم. مثل مردها هم می‌تونم پول دربیارم تا به هیچ مردی وابسته نباشم و منتظر این نباشم که بخواد اون برای من کار کنه. این اصطلاح که می‌گن طرف برای خودش مردی شده اشتباهه. من بهتر از صد تا مرد هم می‌تونم باشم.»

گسیختگی انتظارات و ارتباطات: انتظارات مشارکت‌کنندگان از دیگر اعضای خانواده مبتنی بر ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی نبود. مشارکت‌کنندگان ارزش‌های جدیدی از انتظارات بین اعضای خانواده را بازتولید می‌کردند. انتظارات همسران از یک سو و والد-فرزندی از سوی دیگر در حال تغییر است تا جایی که حتی نابهنجار، نامعقول و نامتعارف است. انتظارات خاص و نابجا در موضوعاتی مانند حق طلاق یا شرایط آن، انتظارات مالی و نیز شرایط ازدواج، و ملاک‌های انتخاب همسر، خانواده را با سردرگمی مواجه کرده

است. در واقع، طرفین این انتظارت در مقابل تصمیمات سختی قرار می‌گیرند که قادر به حل آن نیستند. انتظاراتی که گویای عدم درک متقابل، نسنجیدن استعداد و توانایی افراد، ارزیابی نادرست از موقعیت و شرایط است که اعضای خانواده را درگیر با نوعی آرمان‌گرایی نامشخص و آسیب‌زا می‌کند و به اختلاف، تنش، تعارض می‌انجامد و فشارهای روانی زیادی را بر اعضا تحمیل می‌کند. از سوی دیگر، تحت گسیختگی انتظارات یا موجب کمرنگ‌شدن پیوندهای عمیق و روابط عاطفی و صمیمانه در میان اعضای خانواده می‌شود. در مشارکت‌کنندگان خانواده‌های سنتی، این شرایط سبب احساس تنهایی و گوشه‌گیری و انزوا شده است. مشارکت‌کننده ۱۱: «الان که دیگه یه خانم حق طلاق، حق تحصیل، حق اشتغال و حتماً حق نصف‌شدن اموال رو باید داشته باشه و اصلاً عرف شده. انتظارم هم بر همین هست که در اول ازدواج حتماً اینا رو بهم بده.» مشارکت‌کننده ۱۹: «الان که دیگه اگر یه نفر بیاد خواستگاری، خونه و ماشین و یه شغل با پرستیژ اجتماعی و حقوق حداقل بیست تومن نداشته باشه که نباید راه داد بیاد خونه. اینا که دیگه خانواده‌م هم توقع دارن و اجازه نمی‌دن با یه نفر که از پس تأمین نیازهای اولیه من بر نمی‌آد ازدواج کنم.» مشارکت‌کننده ۲: «خانم انتظار داره هر سال یه دست مبل عوض کنیم. باور کنید این مبل‌ها نو نوئه، ولی می‌گه نه اینا دیگه تکراری شده و قدیمی باید عوض بشه. این یه مثالش بود که براتون گفتم. لباس و وسایل شخصیش که دیگه من آمارش از دستم دررفته. قبلاً وضع مالی خوبی داشتم و شرایط اقتصادی بهتر بود، ولی الان دیگه واقعاً نمی‌تونم.»

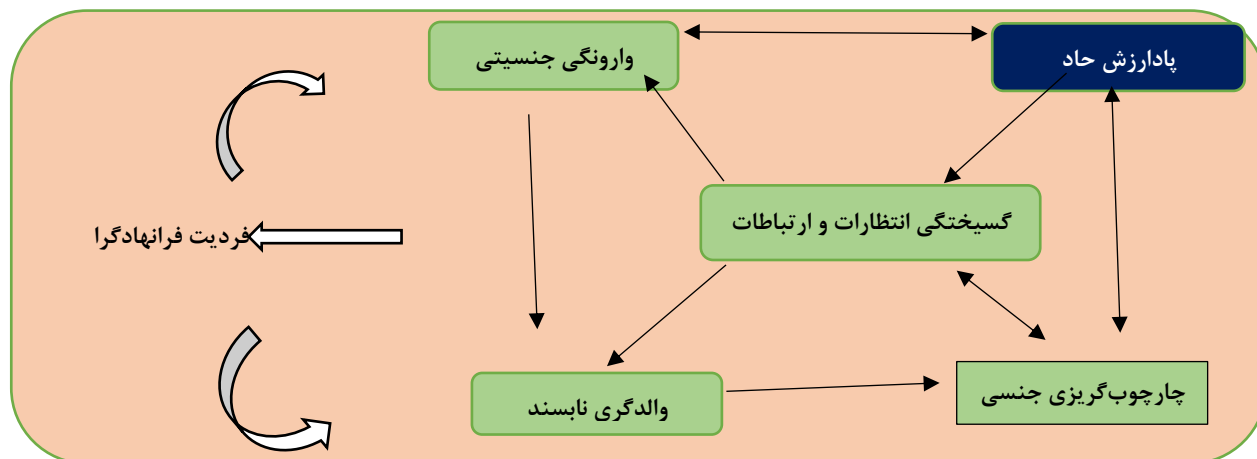
والدگری نابسند: والدگری نابسند به این معنا است که والدین از نقش‌های سنتی خود فاصله گرفته و به شرایطی از فقدان الگو در تربیت فرزندان و نیز تعامل با آن‌ها رسیده‌اند. والد نابسند یا ناقص، والدی است که نقش‌ها و هنجارهای حاکم بر روابط والد-فرزندی را زیر پا گذاشته و درگیر اشکال جدیدی شده که آن را قبول ندارد، اما از سر اضطرار پذیرفته است. بعضی مشارکت‌کنندگان بیش از هر دوره زمانی دیگر نسبت به فرزندان خود کمال‌گرا شده‌اند و خود را درگیر فرایند رشد فرزندان کرده‌اند و به صورت افراطی به حمایت و همراهی آنان می‌پردازند. بعضی از مشارکت‌کنندگان سعی می‌کنند فرزندشان در تمامی زمینه‌ها موفق باشد. نداشتن الگو در روابط والد-فرزندی در نتیجه تغییرات اجتماعی، انتظارات نامعقول فرزندان، ترس از گرفتارشدن فرزند در آسیب‌های اجتماعی به شکل‌گیری نوعی والدگری ناقص انجامیده که تلاش دارد تمامی امکانات و شرایط را برای فرزند مهیا سازد. در این شرایط، والدین مطیع فرزندان می‌شوند و حتی تصمیمات غیرمنطقی آنان، مثل تقاضای آزادی‌خواهی فرزندان را می‌پذیرند. والدین ناخواسته یا از سر اضطرار، از نقش والدگری کناره‌گیری می‌کنند و با خواسته‌های افراطی و ناهنجار فرزندان کنار می‌آیند. روابط والد-فرزندی گرفتار افراط و تفریط آسیبی می‌شود. مشارکت‌کننده ۱۵: «دوست ندارم بچم پیش بچه‌ها کم بیاره. خیلی براش وقت می‌ذارم خیلی جاها می‌برمش و از همین بچگی دوست دارم اجتماعی باشه.» مشارکت‌کننده ۱۰: «یه دونه بچه بیشتر ندارم و حرفاش و خواسته‌هاش برام خیلی در اولویته. هر چی و هر کاری که بخواد براش انجام می‌دم. دیگه توی خونه حرف حرف اونه. حتی مادر خودم که می‌آن خونه هم در مورد یک سری از چیزها از بچم نظر می‌گیرن... نظر می‌خوایم... پنج سالش بیشتر نیست، ولی خیلی عزیزه.» مشارکت‌کننده ۲۴: «این ارتباطات متأسفانه صمیمیتش افراطی می‌شه و هیچ محدودیت و مانعی برای فرزندان در نظر گرفته نمی‌شه.»

چارچوب‌گریزی جنسی: بعضی مشارکت‌کنندگان، به‌خصوص زنان، با یک بازاندیشی جدی در حدود و ثغور روابط جنسی و همچنین تمایلات جنسی مواجه بودند. این تغییرات در گفتمان زبانی آن‌ها به‌خوبی روشن بود. استفاده از اصطلاحاتی چون زید، رل، پارتنر و... گویای تغییرات زبانی و گفتمانی مشهود در میان مشارکت‌کنندگان بود. این گفتمان ناظر به تغییر در روابط جنسی قبل و بعد از ازدواج است. در واقع، این ادبیات گفتمانی وسیع و متکثر، خانواده سنتی را با چالش مواجه کرده است و اعضای آن را درگیر با انواع

روابط خارج از عرف می‌کند که مهم‌ترین موضوع آن بدن و مصرف بدن است. این موضوع به‌خصوص در رابطه با بعضی مشارکت‌کنندگان خاص خانم به نظر می‌رسید. چارچوب‌های خانواده سنتی، جایگاه خود را از دست داده و مفاهیم گفتمانی جدیدی که مبتنی بر چارچوب‌گریزی جنسی است جایگزین شده است. مشارکت‌کننده ۱۲: «بدن خودمه، به کسی چه مربوطه که باهانش چیکار می‌کنم؟ دیگه گذشت زمانی که مسائل جنسی یه تابو بود. الان که همه باتجربه‌اند. به نظرم دو روز دیگه، اینکه یک دختر یا پسر تجربه داشته باشه در ارتباطات جنسی به عنوان یک ملاک شریک زندگی در نظر گرفته می‌شه.» مشارکت‌کننده ۱۳: «من خودم چند تا دوست پسر دارم که خب فقط دوست هستند؛ یعنی همین‌جوری با هم صحبت می‌کنیم. کاری داشته باشیم به همدیگه می‌گیریم و بیرون بخوایم بریم با هم می‌ریم. البته این‌ها دوست اجتماعی هستند. با هم قرار نمی‌ذاریم. یه دونه هم دوست دارم که خب با هم قرار می‌ذاریم و ارتباطات متفاوت‌تر باهانش دارم.»

۲-۴. فردیت فرانهادگرا

به معنای شکل‌گیری نوعی شخصیت در جامعه مورد تحقیق است که فرد، تمایلات و اراده فردی و رای انتظارات و نقش‌های اجتماعی تعریف شده از او در بستر خانواده است. نقشه مضمونی پژوهش (شکل ۱) بر ساخت مفهومی تحقیق حاضر است. فرانهادگرایی فردگرا به معنای تغییرات گسترده در ساخت خانواده است؛ به صورتی که الگوهای سنتی نقش و رابطه و وظایف دچار اضمحلال شده و الگوهای جایگزین نیز کارکرد الگوهای سنتی را ندارند. این مفهوم نشان می‌دهد ساختار خانواده در بستر پژوهش در حال تغییر و مبتنی بر اراده و میل افراد است تا ساخت خانواده و هنجارهای حاکم بر آن. فردگرایی نشان‌دهنده نوعی بی‌نظمی در نظام روابط و تعاملات، وظایف و نقش‌های خانوادگی است. فرانهادگرایی به تغییر در ارزش‌ها و باورهای سنتی انجامیده است؛ به طوری که حتی به ضدا ارزش‌های جدیدی تبدیل شده است. تزلزل یا فروپاشی هرم قدرت در خانواده، به تغییر الگوهای نقشی بین همسران و والدین و فرزندان انجامیده است. والدین از نقش‌های سنتی خود فاصله گرفته‌اند و از آنجا که الگویی برای آن ندارند، با بحران نقش مواجه شده‌اند. این بحران در نقش و نیز روابط با فرزندان مشهود است. در واقع فرزندان، نقش‌های جایگزین متناسب با انتظارات خود را به والدین تحمیل می‌کنند و والدین نیز آن را می‌پذیرند. از سوی دیگر، نقش‌های جنسیتی در خانواده تغییر کرده است و مردان نوعی حاشیه‌نشینی انتخابی یا اجباری را تجربه می‌کنند. در مقابل، زنان مشارکت‌کننده در این تحقیق، عموماً نقش‌های مردانه را تجربه می‌کنند و بیشتر آن‌ها از این شرایط رضایت دارند. پادارزش حاد موضوع چارچوب‌گریزی جنسی را بر ساخت کرده و روابط خارج از چارچوب جنسی در قالب‌های مختلف و تجربه آن از دوران پیش از ازدواج و نیز تجارب همه‌چیزخواری‌اش قبل یا بعد از ازدواج را به وجود آورده است. همه موارد موجب شکل‌گیری گسیختگی انتظارات و ارتباطات در خانواده و در تمام سطوح شده است. همان‌طور که شکل نشان می‌دهد، مضامین یکدیگر را بازتولید می‌کنند و همه مضامین به بازتولید فرانهادگرایی فردگرا کمک می‌کنند.



شکل ۱. فردیت فرانهادگرا نسبت به خانواده در بستر تحقیق

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق و مفهوم فردیت فرانهادگرا، گویای تغییری در لایه‌ای عمیق‌تر در جامعه مورد تحقیق نسبت به خانواده است؛ همان تغییری که مرتبط با لوازم و اسباب جوامع مدرن است و البته روی خانواده همچون سایر نهادها تأثیر خود را به‌جای گذاشته است. اگرچه نظر بر این است که در ایران و کشورهای مشابه، بیشتر به رونما و محصولات مدرنیته همچون بخش‌هایی از صنعت و شبه دموکراسی اکتفا شده است (افشار کهن و رضائیان ۱۳۹۷)، به‌نظر می‌رسد در سایر نهادها و از جمله خانواده تأثیرات بسزایی به‌جای گذاشته است. نظر بر این است که در شرایط کنونی ایران هم‌زمان می‌توان سه نوع خانواده را از هم تفکیک کرد: خانواده سنتی، متجدد و پسامدرن که با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی و فناوریانه می‌توان مدعی این شد که خانواده به‌لحاظ ساختاری و کارکردی دچار تغییر شده است و چون این تغییر و دگرگونی در خانواده ایرانی خطی نبوده و در هر دوره تاریخی و اجتماعی نوعی خاصی از خانواده قابل‌شناسایی نیست، می‌توان گفت هر سه الگوی خانواده قابل‌مشاهده است و خانواده در ایران از نوع ترکیبی است (سرای و اوچاقلو، ۱۳۹۲: ۲۰). اگرچه محققان مذکور روشن نکرده‌اند که مقصود از خانواده پسامدرن چیست، به‌نظر می‌رسد چنین مفهومی بسیار گسترده است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد تغییر دیدگاه‌ها به خانواده آن هم در شهر با بافت سنتی در ایران بسیار شگرف و عمیق است؛ چه بسا که در کلان‌شهرها احتمالاً وسعت و عمق تغییرات بسیار زیادتر باشد.

از منظر محققان، فردیت فرانهادگرا در ارتباط با پادارزش حاد، محور تغییرات است. رویکرد مشارکت‌کنندگان به خانواده، نقش اجتماعی آن، نقش‌های درون خانواده و روابط حاکم بر آن، به‌شدت در حال تغییر است. ارزش‌هایی در خانواده‌ها در حال شکل‌گیری است که نه‌تنها ارزش‌های سنتی خانواده را با پوچی مواجه کرده است، بلکه آن‌ها را ضدارزش برمی‌شمرد. به‌جای آن ارزش‌هایی را معرفی می‌کند که خانواده را بیش‌ازپیش به‌سمت بی‌چارچوبی و نداشتن حدمرزش سوق می‌دهد. در پادارزش حاد، جایگاه خانواده از نقش محوری خود در بازتولید ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، به یک نقش حمایتی عرفی‌شده نزول پیدا می‌کند. مقصود از نقش حمایتی عرفی‌شده، محدودشدن نقش خانواده به مکانی برای زندگی با آزادی‌های فردی و بدون حضور و سلطه سایرین اعم از والدین برای فرزندان یا زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. البته چنین رویکردی بیشتر نگاه زنان مشارکت‌کننده بود که به‌نوعی تجربه آزادی فردی جدیدی را داشتند یا در پی آن بودند. این تغییرات ارزشی در مقالات سایر محققان به‌نوعی مورد پژوهش قرار گرفته است

(احمدی فر، ۱۳۹۹؛ نظری و همکاران، ۱۳۹۸؛ میرمحمدرضایی و ساروخانی، ۱۳۹۷). از منظر محققان، تغییرات نگرشی به خانواده، نقش و جایگاه اجتماعی آن، مبنای تغییر در سایر ابعاد خانواده است. زاهد زاهدانی و کاوه (۱۳۹۶) از تغییر در تعاملات و تمایلات جنسی به سمت همگرایی با مرکز در معنای مصطلح مرکز پیرامون سخن گفته‌اند که حاکی از غالب شدن فرهنگ غرب بر ابعاد خانواده و جنسی است. این تغییر به نوعی مؤید همین پادارزش حاد است که در شرایط جهانی شدن، نوعی یکسان‌سازی نگرش و تجربه نسبت به خانواده شکل گرفته و در فرانهادگرایی با رویکرد وبری هم بر ساخت شده است.

یکی از پیامدهای مستقیم پادارزش حاد، تغییر نگرش به نقش‌های جنسیتی است. در حالی که در خانواده و به لحاظ تاریخی، مرد، در هرم قدرت است، تحقیق حاضر گویای تغییر در نقش‌های جنسیتی است. به نظر می‌رسد چالش‌های خانوادگی بر سر قدرت، تمایل مردان برای حفظ آن را دستخوش تغییر کرده باشد. مردان تمایلی برای حفظ قدرت ندارند و به نوعی کناره‌گیری از نقش‌های مردانه نیز سوق یافته‌اند؛ چرا که داشتن قدرت، ضمن برخورداری از فرصت، مسئولیت‌های زیادی را هم بر دوش مردان می‌گذارد. زنان نیز تمایل به کسب و حفظ قدرت دارند و در تلاش برای ایفای نقش‌های مردانه هستند. طبیعی است زمانی که فردی بخواهد نقش‌هایی را که به لحاظ فرهنگی، تاریخی و حتی جنسیتی در آن مهارتی ندارد برعهده بگیرد، باید فشار زیادی را تحمل کند. با وجود این، میل به کسب و حفظ قدرت سبب شده زنان مشارکت‌کننده به هر نحوی بخواهند به این مخاطره نقشی دست بزنند. در واقع میل به برابری خواهی نقشی زنان، چیزی بیشتر از برابری خواهی است و نوعی تلاش برای برتری و تفوق در نقش‌های خانوادگی است. در مطالعات عبداللهی و همکاران (۱۴۰۱) و احمدی فر (۱۳۹۹) به این تغییر در روابط قدرت اشاره شده است.

یکی دیگر از پیامدهای مهم پادارزش حاد، چارچوب‌گریزی جنسی است که نشان‌دهنده تغییر در ارتباطات جنسی، تمایلات جنسی و مصرف بدن است. این موضوع، مبانی و کارکردهای خانواده را با چالش‌های اساسی روبه‌رو کرده است. این موضوع به خصوص در میان بعضی از زنان مشارکت‌کننده به خصوص بسیار برجسته بود. بدن و مصرف آن در چارچوب هنجارهای خانواده قرار نمی‌گیرد؛ چرا که این مصرف و تمایلات جنسی به صورتی پذیرفته شده و مسئله کاملاً شخص‌محور و با تمایل خود برای رسیدن به لذت است. این امر تعهد در خانواده را کاهش داده و یکی از کارکرد مهم تشکیل خانواده را که تأمین مسائل جنسی در چارچوب بوده از بین برده یا بی‌اهمیت کرده است. این تغییرات در موضوع نگاه به روابط جنسی در تحقیقات احمدی فر (۱۳۹۹) و زاهدزاهدانی و کاوه (۱۳۹۶) در مطالعات داخلی و نیز در تحقیقات خارجی در مطالعات دانکن و فیلیپس (۲۰۰۸) و چرلین (۲۰۰۷؛ ۲۰۲۰) نشان داده شده است. علاوه بر این تحقیقات زیادی با موضوع روابط فرازناشویی در جامعه ایران انجام شده است که مؤید یافته تحقیق حاضر است. به نظر می‌رسد این موضوعات ریشه در پادارزش حاد دارد که به تغییر اساسی نسبت به بدن، مدیریت بدن و امر لذت مربوط می‌شود.

پادارزش حاد همچنین به گسیختگی انتظارات و ارتباطات در تعاملات خانوادگی دامن زده است. به نظر می‌رسد بسیاری از این ارتباطات و انتظارات، روند کاهشی به خود گرفته است؛ از ابعاد نقشی و مسئولیتی گرفته تا وجوه عاطفی. یکی از پیامدهای این گسیختگی، والدگری نابسند است. الگوهای حمایتی یا کنترلی والدین دچار فروپاشی است. در بسیاری از موارد، والدین با خواسته‌های فرزندان به خصوص در رابطه با روابط اجتماعی و آزادی‌های فردی همراهی می‌کنند. در سایر نیازها نیز حمایت‌های افراطی از فرزند می‌شود. در واقع، سبک تربیتی فرزندان، با ابهام روبه‌رو است و والدین به درستی نمی‌دانند چه کنند. این یافته با تحقیقات سونگ و جی (۲۰۲۰)، اسموک و شوارتز (۲۰۲۰)، دانکن و فیلیپس (۲۰۰۸) و احمدی فر همخوانی دارد. از این منظر، خانواده در بستر تحقیق، برخلاف رویکرد کلاسیک پارسونزی، دچار تغییرات نقشی و انتظارات مرتبط با آن شده است. مرزهای نقش و انتظارات نقشی از هم گسیخته و دیگر نمی‌توان گفت حدود نقشی زن به درون خانواده و مرد در بیرون خانواده است.

به‌طور کلی و به‌لحاظ نظری می‌توان گفت روند تغییرات خانواده در بستر تحقیق، از الگوی پارسونزی عبور کرده و به‌سمت‌وسوی فرهنگی و مبتنی بر تغییرات ارزشی-هنجاری رفته است. مضمون هسته تحقیق نشان‌دهنده شکل‌گیری ارزش‌های فردی و تفوق آن بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، به‌برساخت تغییراتی خاص انجامیده که خانواده را تا مرز گسست پیش برده است. الگوهای جایگزین، بدیل‌هایی عجیب از خانواده ارائه می‌دهند که هنوز زود است حداقل در بستر تحقیق ادعا کرد که به‌سمت نهادزدایی خانواده حرکت کرده‌ایم. خانواده در بستر تحقیق، همچنان سلول اصلی نظام اجتماعی است و بدنه اصلی جامعه‌پذیری در دوران کودکی را شکل می‌دهد. درحالی‌که خانواده‌های جدید مبتنی بر ارزش‌هایی است که الگوی سنتی را به رسمیت نمی‌شناسد. در میان نظریه‌های مطرح‌شده، الگوی نهادزدایی خانواده چرلین (۲۰۰۴) تا حدودی به یافته‌های تحقیق نزدیک است که هنوز تا مسیر نهادزدایی راه طولانی دارد و احتمالاً به نهادزدایی در معنای مصطلح نینجامد. دیدگاه کایتچی‌بازی (۱۹۹۶، ۲۰۰۷) یافته‌های حاضر را تأیید می‌کند که وابستگی متقابل عاطفی، استقلال شخصی، کاهش وابستگی‌های متقابل مادی و سلسله‌مراتب سنتی همراه با افزایش نزدیکی عاطفی و جهت‌گیری رابطه، استقلال (به‌ویژه زنان)، تمرکز بر استقلال فردی از ویژگی‌های خانواده‌های جدید است. درنهایت، فرایندهای نوظهور خانواده که بخشی متأثر از شرایط جهانی شدن و بخشی بازتولید اجتماعی و فرهنگی زیست‌بوم مطالعه است، با رویکرد نپ و ورم (۲۰۱۹) تحت عنوان فرانهادگرایی قابل تبیین است. از آنجا که خانواده در جامعه ایران و زیست‌بومی ایرانی، هنوز جایگاه خود را دارد، نگاه وبری و بسترمند می‌توانند مدیریت بهتری از این فرانهادگرایی فردگرا به‌دست بدهند و مسیر قابل پیش‌بینی بهتری در این زمینه ارائه کنند. انجام پژوهش‌های میدانی و توسعه دیدگاه‌های نظری بسترمند در این زمینه پیشنهاد می‌شود.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- احمدی‌فر، رشید (۱۳۹۹). مدرنیته و تغییرات خانواده روستایی در کردستان (مورد مطالعه: جامعه روستایی موکریان). *توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی)*، ۱۲(۱)، ۱۸۷-۲۱۴. <https://doi.org/10.22059/jrd.2020.305608.668565>
- افشارکهن، جواد، و رضاییان، محمود (۱۳۹۷). مقایسه بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۲)، ۲۹۳-۳۲۶. <https://doi.org/10.22080/ssi.1970.2141>
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- آزادارمکی، تقی، زند، مهناز، و خزاعی، طاهره (۱۳۸۲). روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل. *علوم انسانی الزهرا*، ۱۲-۱۳ (۴۴-۴۵)، ۱-۲۴.
- حقیقتیان، منصور، و دارابی، مسعود (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: شهرستان نهاوند). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۶(۲۰)، ۵۷-۸۸.
- رزاقی نصرآباد، حبیبه بی‌بی و فلاح‌نژاد، لیلیا (۱۳۹۶). تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه: شهر هشتگرد). *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۹(۷۵)، ۶۳-۸۴. <https://doi.org/10.22095/JWSS.2017.51745>
- زاهد زاهدانی، سید سعید و کاوه، مهدی (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی تغییرات خانواده، با تأکید بر نقش جهانی شدن فرهنگی بر تعاملات جنسیتی و تمایلات جنسی. *رهیافت پیشگیری*، ۲، ۱۴۷-۱۷۴.
- سرایبی، حسن و اوچاقلو، سجاد (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران: مطالعه موردی زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی*، ۴(۴)، ۱۹-۴۲.

- صادقی، رسول، و عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۳(۱)، ۴۷-۲۵.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، و شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۵(۲)، ۱۹۸-۱۵۱. <https://doi.org/10.30497/smt.2011.163>
- عبدلهی، زهرا، پیراهری، نیر، قاسمی، یارمحمد، و میرزایی، خلیل (۱۴۰۱). مکانیسم و دینامیسم ارزش‌های خانواده در ایلام (یک مطالعه آمیخته). *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۱۳(۱)، ۵۲-۲۹. <https://doi.org/10.30495/jzv.2022.28402.3608>
- عسکری ندوشن، عباس، عباسی شوازی، محمدجلال، و صادقی، رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۱(۴۴)، ۷-۳۶. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20082827.1388.11.0.2.5>
- محمدپور، احمد، رضایی، مهدی، پرتوی، لطیف، و صادقی، رسول (۱۳۸۸). بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی: ایلات منگور و گورک). *خانواده‌پژوهی*، ۵(۱۹)، ۳۰۹-۳۳۰.
- محمدپور، احمد، صادقی، رسول، رضایی، مهدی، و پرتوی، لطیف (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۷(۴)، ۷۱-۹۳.
- معینی، سید رضا و شکربیگی، عالیه (۱۳۸۸). بررسی نوگرایی خانواده‌های ایرانی (تحقیقی در شهر تهران). *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، ۱(۲)، ۱۰۵-۱۲۸.
- میرمحمدرضایی، سیده زهرا، و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷). نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی. *فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۴)، ۱۳۱-۱۶۴. <https://dori.net/dor/20.1001.1.26454955.1397.13.44.6.9>
- نظری، حامد، گنجی، محمد، و بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۸). فراتحلیل کیفی پژوهش‌های ناظر بر زمینه‌ها و عوامل تغییرات خانواده ایرانی. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۲(۴۵)، ۱۰۳-۱۳۴. <https://doi.org/10.30495/jwsf.2020.1881128.1404>
- ورزی کناری، امین، حیدرآبادی، ابوالقاسم، و پهلوان، منوچهر (۱۳۹۸). نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۱(۳)، ۶۵-۷۸.
- Abdolahi, Z., Ghasemiy, Y., Pirahari, N., & Mirzaei, K. (2022). Mechanism and dynamism of family values in Ilam (a mixed study). *Quarterly Journal of Women and Society*, 13(49), 29-52. <https://doi.org/10.30495/jzv.2022.28402.3608> (In Persian)
- Abedi Ja'fari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A., & Sheikhzade, M. (2011). Thematic analysis and thematic networks: a simple and efficient method for exploring patterns embedded in qualitative data municipalities. *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. <https://doi.org/10.30497/smt.2011.163> (In Persian)
- Afsharkohan, J., & Rezaeeyan, M. (2019). The intergenerational comparison on the relationship between individuals' value system and attitude towards family stability. *Sociology of Social Institutions*, 5(12), 293-326. <https://doi.org/10.22080/ssi.1970.2141> (In Persian)
- Ahmadifar, R. (2020). Modernity and Family Changes in Rural Kurdistan (Case Study: Rural Areas of Mukerian). *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 12(1), 187-214. <https://doi.org/10.22059/jrd.2020.305608.668565> (In Persian)
- Askari Nodoushan, A., Abbasi Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2009). Mothers, daughters, and marriage (intergenerational differences in marriage attitudes in the city of Yazd, Iran). *Women's Strategic Studies*, 11(44), 7-36. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20082827.1388.11.0.2.5> (In Persian)
- Azad Armaki, T. (2007). *Iranian family sociology*. Tehran: Samt. (In Persian)

- Azadarmaki, T., Zand, M., & Khazaie, T. (2003). The trend of socio-cultural changes in Tehran families over three generations. *Alzahra Humanities Sciences, 13-12*(44-45), 1-24. (In Persian)
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology, 3*, 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Cherlin, A. J. (2020). Degrees of change: An assessment of the deinstitutionalization of marriage thesis. *Journal of Marriage and Family, 82*(1), 62-80. <https://doi.org/10.1111/jomf.12605>
- Cherlin, A. J. (2004). The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of Marriage and Family, 66*(4), 848-861. <https://doi.org/10.1111/j.0022-2445.2004.00058.x>
- Duncan, S., & Phillips, M. (2008). New families? tradition and change in partnering and relationships In Park, A., Curtice, J., Thomson, K., Phillips, M., Johnson, M., Clery, E. (Eds.) *British Social Attitudes: the 24th Report*. London: Sage.
- Haghighatian, M., & Darabi, M. (2015). The impact of cultural revitalization and its influencing mechanisms on family values: A case study in Nahavand County. *Sociological Studies of Youth, 6*(20), 57-88. (In Persian)
- Joshi, R., & Singh, C. K. (2023). Organisational Transformation of Family Structure in the Modern Era. *Vigyan Varta, 4*(7), 156-161.
- Kagitcibasi, C. (1996). *Family and human development across cultures: A view from the other side*. Hillsdale, NJ: Erlbaum. <https://doi.org/10.4324/9781315805993>
- Kagitcibasi, C. (2007). *Family, self, and human development across cultures: Theory and applications* (2nd Ed.). Hillsdale, NJ: Erlbaum <https://doi.org/10.4324/9781315205281>
- Knapp, S. J., & Wurm, G. (2019). Theorizing family change: A review and reconceptualization. *Journal of Family Theory & Review, 11*(2), 212-229. <https://doi.org/10.1111/jftr.12329>
- Mir Mohammad Rezaei, S. Z., & Saroukhani, B. (2018). The role of globalization in changing the Iranian family during the last two decades. *The Women and Families Cultural-Educational, 13*(44), 131-164. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1397.13.44.6.9> (In Persian)
- Moeini, S. R., & Shokrbeigi, A. (2009). Investigating the modernization of Iranian families (A study in Tehran). *Journal of Contemporary Sociology, 1*(2), 105-128. (In Persian)
- Mohammadpour, A., Sadeghi, R., Rezaei, M., & Partovi, L. (2009). Tradition, modernization, and family. *Women's Research, 7*(4), 71-93. (In Persian)
- Mohammadpur, A., Rezaei, M., Partovi, L., & Sadeghi, R. (2009). The Meaning Reconstruction of Family Changes Using Grounded Theory (A Case Study of Mangor and Gaverk Tribes). *Family Research, 5*(3), 309-330. (In Persian)
- Nazari, H., Ganji, M., & Babaei Fard, A. (2019). Qualitative meta-analysis of research on the context and factors of changes in the Iranian family. *Women and Family Studies, 12*(45), 103-134. <https://doi.org/10.30495/jwsf.2020.1881128.1404> (In Persian)
- Sadeqi, R., & Shavazi, M. J. (2005). Ethnicity and marriage patterns in Iran. *Women in Development and Politics, 3*(1), 25-47.
- Nazari, H., Ganji, M., & Babaei Fard, A. (2019). Qualitative meta-analysis of research on the context and factors of changes in the Iranian family. *Women and Family Studies, 12*(45), 103-134. <https://doi.org/10.30495/jwsf.2020.1881128.1404> (In Persian)
- Razeghi Nasrabad, H. B., & Fallahnezhad, L. (2017). Generational differences in marriage value (Case Study in Hashtgerd city). *Women's Strategic Studies, 19*(75), 63-84. <https://doi.org/10.22095/JWSS.2017.51745> (In Persian)
- Saadat, R., Shojaei, R., & Abbasi, M. J. (2005). Ethnicity and marriage patterns in Iran. *Women in Development and Politics, 3*(1), 25-47. (In Persian)
- Saraie, H., & Ojaghloo, S. (2013). The generational study of marriage value change in Iran (case of study: women in Zanjan city). *Journal of Iranian Social Development Studies, 5*(4), 19-42. (In Persian)
- Sieverding, M., Krafft, C., Berri, N., & Keo, C. (2020). Persistence and change in marriage practices among Syrian refugees in Jordan. *Studies in Family Planning, 51*(3), 225-249. <https://doi.org/10.1111/sifp.12134>
- Smock, P. J., & Schwartz, C. R. (2020). The demography of families: A review of patterns and change. *Journal of Marriage and Family, 82*(1), 9-34. <https://doi.org/10.1111%2Fjomf.12612>

- Song, J., & Ji, Y. (2020). Complexity of Chinese family life. *China Review*, 20(2), 1-18 Song, J., & Ji, Y. (2020). Complexity of Chinese family life. *China Review*, 20(2), 1-18.
- Toren, N. (2003). Tradition and transition: Family change in Israel. *Gender Issues*, 21(2), 60-76.
- Varzi, A., Heidarabadi, A., & Pahlavan, M. (2019). Cultural modernization and family values among high school students in Mazandaran. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 11(43), 65-45. (In Persian)
- Zahed Zahedani, S. S., & Kaveh, M. (2018). Pathology of the changes of the family, emphasizing the role of cultural globalization on gender interactions and sexual orientations. *Crime Prevention Approach*, 2, 147-174. (In Persian)

